

سلطان مهره و ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر

محمدصادق میرزا ابوالقاسمی

ترمه از معدود منسوجات پشمی است که در تهیه لباس‌های ذی قیمت به کار می‌رود. اصولاً پشم ماده خشن تری نسبت به ابریشم و پنبه است و کمتر در تهیه منسوجات و البسه کاربرد دارد. در تهیه ترمه از نرم‌ترین و لطیف‌ترین قسمت‌های پشم گوسفندان استفاده می‌شود. با ورود فن بافت ترمه به ایران و به جهت پشم نسبتاً مرغوب نژاد حیوانی ایران که قابل مقایسه با نوع کشمیری خود بود، ترمه‌های مرغوب در ایران تولید گردید و به سرعت جایگاه شاخصی برای خود یافت، تا جایی که مؤلف کتاب بر این عقیده است که تشخیص این دو از هم به لحاظ کیفیت و مرغوبیت ممکن نیست.

پشم با رنگ طبیعی در ترمه و بیشتر بافته‌های سنتی کمتر استفاده می‌شود و تقریباً هیچ نمونه مرغوبی از ترمه را نمی‌توان یافت که رنگ الیافش طبیعی باشد. علت این امر عدم ثبات رنگ‌های طبیعی پشم در مقابل نور و دما و عوامل فیزیکی دیگر است. حفظ و نگهداری ترمه و به طور کلی بافته‌های پشمی نسبت به ابریشم بافت‌ها مشکل‌تر است، چون پشم برخلاف ابریشم در مقابل حشرات و بید مصون نیست و برابر رطوبت دوام کمتری دارد. از این جهت بیشترین نمونه‌های سالم و مرغوب شال‌های کشمیر مربوط به قرن ۱۸ و ۱۹ میلادی است.

کتاب «ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر» مجموعه‌ای است نسبتاً کامل از انواع ترمه که پیش از این در سال ۱۹۷۵ میلادی/۱۳۵۴ شمسی به چاپ رسیده است. مؤلفان کتاب رحیم عناویان و ژرژ عناویان هستند که با همکاری تعدادی محقق دیگر مجموعه را تدوین کرده‌اند. کتاب سه دیباچه و دو پیش‌گفتار دارد و در چند جای آن مؤلف اصلی کتاب رحیم عناویان معرفی شده است. رحیم عناویان از تاجران عتیقه و اثر شناس علاقه‌مند به هنر ایران است که پیش از این به علت خرید و فروش گردن بندهای قدیمی با لقب «سلطان مهره» شناخته می‌شد. مجموعه ترمه‌هایی که در این کتاب عرضه می‌شود، شامل ۱۰۴ تصویر است که مجموعه شخصی او در یک جمع‌آوری چندین ساله است. شاید علت گردآوری این مجموعه نفیس ابتدا شوق یک عتیقه‌فروش و علاقه حرفه‌ای‌اش تصور شود، با این حال علاقه او به شال‌های ایران و کشمیر تا اندازه‌ای پیش رفت که سعی در شناخت انواع ترمه و مراحل تولید و بافت آن، از او کارشناسی تمام ساخت و این مسئله از بخش هر چند کوتاه تحقیقی کتاب به خوبی مشخص است. پروفیسور آرتور اپهام پوپ، محقق و ایران‌شناس نامی، نخستین مشوق وی در جست‌وجو و دنبال کردن آثار ترمه در ایران بوده است. مؤلف مراحل فنی ترمه بافی اعم از تهیه الیاف، رنگ‌رزی، پودگذاری و انواع ترمه و نقوش آن، چه به شکل تجربی و چه به صورت علمی را فراگرفته است. مثلاً از دو نفر ترمه باف، ملباخاج و یعقوب لاهیجانی، به عنوان آخرین بازماندگان

ترمه دست بافتی قدیمی نیست؛ پیشینه آن در ایران از دوره صفوی فراتر نمی‌رود. خاستگاه ترمه آسیای مرکزی، کشمیر، است و تا پیش از شاه عباس، ایران بازار فروش و مصرف‌کننده آن به حساب می‌آمده است. در ترمه هم نشینی رنگ‌ها چشمگیر است. چنان که معمول است، در چینش نقش‌ها و طرح‌ها از رنگ‌های هم‌خانواده و نزدیک استفاده می‌شود. برای نمونه کرم با قهوه‌ای، و یا انواع سیر و باز یک رنگ در بافتن ترمه بسیار متداول است. گاهی این روابط رنگی به هم می‌خورد، با این حال تجانس رنگی در کل بافته هیچ‌گاه از نظم و هماهنگی فاصله نمی‌گیرد (به تصویر شماره یک کتاب نگاه کنید). مانند بسیاری منسوجات سنتی دیگر، تولید این محصول با زنان خانه‌دار و دختران روستایی بوده است. به جهت ارزشمندی و مصرفی که ترمه در ایران داشته است، مردان نیز آن را به عنوان شغل اصلی خود انتخاب کرده‌اند تا جایی که در زمانی نه‌چندان دور دو سوم مردم کرمان با این شغل امرار معاش می‌کرده‌اند (منظور بافت انواع پارچه‌های سنتی است).

روش متداول در ترمه بافی از این قرار است که پود از زیر یک تار و روی دو تار مجاور می‌گذرد و در قسمت‌های زمینه و بدون نقش مرتباً تکرار می‌شود. در خصوص بافت نقشه‌ها نیز تا حد امکان سعی بر این است که این روش رعایت شود. اما گاهی اوقات خلاف حالت اول پود گذاری می‌شود و موجب خطوط منظم راه کج-کج راه- در زمینه بافته می‌گردد (به تصویر شماره دوی کتاب نگاه کنید). عبور پود از روی دو تار و زیر یک تار -حالت اول- تارها را می‌پوشاند و زمینه را کمتر نمایان می‌کند. «یکنواختی و آمیزش طبیعی که در رنگ‌های متضاد و رنگ‌های بسیاری ترمه‌های دیگر مشاهده می‌شود، بیشتر به خاطر تفاوتی است که در ضخامت تارها و پودهای این ترمه‌ها وجود دارد. این تفاوت ضخامت و گذراندن یک پود از روی چند تار و از زیر تعداد کمتری تار مجاور، به طور مکرر ایجاد خط‌های اریب را در سراسر ترمه می‌نماید و چون رنگ زمینه (زیر) این اریب‌ها همان رنگ تار است و در تمام طول ترمه رنگ تارها یکسان است، رنگ‌هایی که به چشم بیننده می‌خورند مخلوطی از رنگ تار با رنگ‌های پودها هستند و بیننده ناخودآگاه وجه مشترک و هماهنگی بین رنگ‌ها را حس می‌کند.» (از متن کتاب، ص ۴۶)

ترمه در تهیه پرده، سفره، چارقد، جانماز و... استفاده می‌شود، اما مهم‌ترین نوع مصرف این بافته پشمی به صورت شال و در تهیه لباس‌های اعیان بوده است. شال چارقدی، بندی، راه راه، محرمت، اتابکی، کشمیری، زمردی، رضایی، امیری، کرمانی و یزدی انواع ترمه‌هایی است که در کتاب «ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر» معرفی می‌شود و بیشتر آنها نمونه تصویری نیز دارد.

آشنا به این حرفه نام می‌برد که از تعلیماتشان بهره جسته است. این کتاب ابتدا دو زبانه -انگلیسی و ژاپنی- در ژاپن و پس از اندک مدتی به زبان فارسی و انگلیسی نیز چاپ می‌شود. کتاب «ترمه‌های سلطنتی ایران و کشمیر» که به مناسبت گردهمایی گنجینه‌های از یاد رفته هنر ایران در آذرماه ۱۳۸۶ مجدداً به چاپ رسیده است، به فارسی است و متن انگلیسی را به همراه ندارد.

کتاب به طور کلی شامل دو بخش تصاویر و متن تحقیقی است. پس از چند پیش‌گفتار و دیباچه و درآمدی که بر کتاب نگاشته شده است، متن اصلی در پنج بخش مدون است و پس از آن شرح تصاویر و تصاویر دیده می‌شود. چنان که در کتاب‌های مشابه نیز متداول است، مواد اولیه، رنگرزی، فنون بافت و انواع محصول مهم ترین بخش تحقیقی را شامل است. نگارنده کمتر به بحث تاریخی توجه کرده است. متن و نگارش کلی تحقیق بر مشاهده استوار است و پایه میدانی دارد. آشنایی نگارنده با موضوع و شناخت جزئیات به خوبی در بحث او مشخص است.

پیش از این در قالب گردهمایی گنجینه‌های از یاد رفته هنر ایران، کتاب‌های «پژوهشی در زیلوی یزد»، «دست بافت‌های سواد کوه» و «نمدهای ایران» منتشر شده است. با نگاهی گذرا به مطالبی که به جهت موضوع در میان این چهار کتاب مشابهت‌هایی دارد، می‌توان پی برد که تا چه اندازه کتاب حاضر محققانه تألیف شده است (این کتاب بیش از سی سال پیش تألیف شده است). در میان این کتاب‌ها «نمدهای ایران»، کتاب تألیفی محمود جواد پور، از نظر گردآوری با «ترمه‌های سلطنتی» تقریباً هم دوره است و مقایسه‌ای میان مطالب مشترک و مشابه هر دو خالی از لطف نیست.

پشم ماده اولیه ترمه بافی است و اصلی‌ترین ماده اولیه نمد و نمدالی به حساب می‌آید. مراحل رنگرزی پشم با رنگ‌های گیاهی و غیرگیاهی در هر دو کتاب مورد بحث و تحقیق است. گفته هر دو مؤلف بر مشاهده استوار است. اگرچه مطالب کتاب «ترمه‌های سلطنتی» نشان از تحقیق مؤلف در میان بافندگان و رنگرزان سنتی ایران دارد، خالی از بررسی‌های آزمایشگاهی و علمی نیست. هر چند گفتارها کوتاه است، اطلاعات موثق و قابل اعتماد است. برای نمونه بخشی از توضیحات درباره ماده رنگزای قرمز دانه چنین است: «این حشره به صورت خشک شده اش به اندازه یک عدس است و بیشتر ترکیبات رنگی آن در تخم‌های ماده اش یافت می‌شود. پرورش این حشره در درختان انار و انجیر صورت می‌گیرد. حشره قرمز دانه از برگ این درختان تغذیه می‌کند. چون این حشرات زیاد تکثیر می‌یابند رسم بر این بود که منتظر بمانند تا نسل دومشان نیز ایجاد شود تا از مقادیر بیشتری از آنها استفاده شود. حشره نر برای رنگرزی مناسب نیست، چون از ماده اش کوچک‌تر و غیرفعال‌تر است.

قرمز دانه وقتی با زاج سفید دندانه بشود رنگ قرمز مایل به ارغوانی ایجاد می‌کند و با دندانه‌های زاج تشکیل رنگ‌های خاکستری مایل به قهوه ای می‌دهد...» (از متن کتاب، ص ۳۵). ولی در کتاب «نمدهای ایران» اشتباه تا اندازه ای است که قرمز دانه گیاه تصور شده است (نگاه کنید به کتاب «نمدهای ایران»، بخش مربوطه). این مطلب در خصوص مطالب نوشتاری روناس یا عمل دندانه و... نیز مشاهده می‌شود (نگاه کنید به «نمدهای ایران»، ص ۲۹ و نقد کتاب مذکور در «آینه خیال»، ش ۵، اسفند ۱۳۸۶).

اگرچه ارزشمندی کتاب‌هایی این چنین بیشتر به گنجینه تصویری است که در اختیار مخاطب قرار می‌دهند و از این لحاظ هر دو کتاب پرمایه و هم وزن اند، بنیه تحقیقی کتاب حاضر و خصوصاً شرحی که برای هر تصویر دارد، ارزشمندی آن را دو چندان کرده است. برای نمونه مؤلف در توضیح تصویر شماره ۸۸ آورده است: «شال راه راه کرمانی یا خراسانی. نقشه این شال از شال‌های کشمیری گرفته شده است ولی رنگ‌های آن کمی متفاوت می‌باشند. رنگ زرد این شال از زردچوبه می‌باشد که متمایل به نارنجی است و رنگ آبی آن تقریباً زنگاری است. در ضمن که در کشمیر سبز مایل به خاکستری به کار می‌رفته است. در ضمن چون تار و پود این شال ظرافت شال‌های کشمیر را ندارد، نقشه آن وضوح نوع کشمیری را ندارد. کرمان یا خراسان ۱۶۰×۱۶۵ میلیمتر»

این بخش -شرح تصاویر- غنی ترین بخش کتاب است و با عناوین شال‌های محرمات کشمیر، راه راه کشمیر، کمربندی کشمیر، رضایی کشمیر، حاشیه‌های ترمه و سلسله دوزی، ترمه‌های یزدی، شال‌های کرمان، محرمات کرمان و یزد، سلسله دوزی‌های کشمیر و کرمان و چهار نمونه قطعه کامل ترمه ایرانی و کشمیر طبقه بندی شده است.

ایران در دوره صفوی مهم ترین مصرف کننده ترمه‌های کشمیر بود. این بافته بیشتر برای تهیه لباس درباریان و سلاطین مصرف می‌شد. نمونه‌های زیادی از ترمه‌های کشمیر با نقوش صفوی موجود است که بیانگر تهیه این بافته‌ها به دستور یا سفارش صفویان و یا مطابق سلیقه آنان در کشمیر بوده است. پس از تمهیدات شاه عباس در مهاجرت برخی استادان این حرفه و آموزش و رواج آن در میان ایرانیان تا اواخر دوران قاجار بهترین ترمه‌ها در ایران و در کنار نوع کشمیری خود بافته می‌شد. آمدن منسوجات ارزان قیمت اروپایی و دستگاه‌های مدرن تر بافت پارچه، کم کم رونق بافته‌های سنتی از جمله ترمه را از میان برد و امروز تقریباً دانش آن فراموش شده است. اگرچه این اتفاق برای جامعه سنتی ایران و فرهنگ آن ناگزیر بود و شاید نتوان بازگشتی برای آن متصور شد، پژوهش و شناخت و معرفی گنجینه‌های بازمانده هنرهای فراموش شده ایران امری ارزشمند و درخور تقدیر است.